

بنویسیم پوریا، بخوانیم گودرز



پوریا عالمی

- باشگاه «سیاه‌جامگان مشهد» بعد از اینکه به زبان منطقی پلمب شد، متقاعد شد اسمش مشکل دارد و دیروز و رسماً به «مشکی‌پوشان دیار خراسان» تغییر نام داد. خوشبختانه روزبه‌روز داریم احساس خوشنودن بهتری می‌کنیم. تا دیروز که بچه‌ها ام‌کن، تابو و شایند مغازه‌ها را می‌کشید پیروز و وقتی مغازه‌دار می‌پرسید، چی شده داداش؟ جواب می‌شنید که به پیشنهاد فرموده فرهنگستان زبان و ادب فارسی استفاده از واژگان خارجی در سردر مغازه‌ها ممنوع است. دشمنان هم گرم. منتها ما تا امروز هر نگاه کردیم تابلوی کسی تابلیو را نه‌ک‌ها را به دلیل استفاده از کلمه بانک، تابلیو سازمان برنامه‌وبودجه را به دلیل استفاده از کلمه بودجه، تابلیو اداره رادیو و تلویزیون جمهوری اسلامی ایران را به دلیل استفاده از کلمه رادیو و تلویزیون، تابلیو حمامی‌ها را به دلیل استفاده از کلمه حمام، تابلیو پلیس بنین را به دلیل استفاده از کلمه پمپ و کلمه بنین پلیس تایورده است. خراسان هر روز دارد جالب‌تری می‌شود. تا دیروز کستری که همه‌جا برقرار می‌شد، اتجا نمی‌توانست برقرار شود. تا دیروز ممکن است شما را همه‌جا به اسم خودتان صدا زدند. اما وقتی وارد خراسان می‌شوید مجوز اسم بهتان ندهند! مثلاً من در سراسر ایران به نام کوچ‌کچم پوریا صدا می‌کنند، اما تا وارد خراسان می‌شوم، چون استادان با اسم من حال نمی‌کنند، خودبه‌خود به کدورز تغییر نام می‌دهم؛ مثل همین سیاه‌جامگان مشهد که توی مشهد اسمش شده مشکی‌پوشان دیار خراسان. اما همه‌جا سیاه‌جامگان کشی دشمن می‌دارد. تا دیروز ما نگران بودیم مدل و نوع لباسمان برلمان مشکل پیدا نکند از امروز نگرانیم که فردا یکی توی خیابان ما را به اسم کوچ‌کچمان صدا زنند و داستان نشود. از فردا هم توی برنامه‌های تلویزیونی هر کی به مشکی‌پوشان دیار خراسان بگوید سیاه‌جامگان! حتماً تابوشکنی محسوب می‌شود و اخطار می‌گیرد؛ حتی بعید هم نیست که مردم اعتراضشان را به چنین برخوردهایی با فرستادن عدد دو به برنامه ۹۰ خیلی شدیدالحن ابراز کنند. خلاصه با این فرمان که پیش می‌رویم بعید نیست فردا برپیم ساندویچی، حق انتخاب نوشابه مشکلی با ما زود را هم خودمان نداشته باشیم و باآشنی نیاز به مجوز از مراجع ذی‌صلاح داشته باشیم. تا بن‌تاز ریز خدا نگهدار.

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه ۱ آذر ۱۳۹۶ • ۳ ربیع الاول ۱۴۳۹ • ۲۲ نوامبر ۲۰۱۷ • سال پانزدهم • شماره ۳۰۱۷ • ۲۰ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۱:۵۰ • اذان مغرب ۱۷:۰۳ • اذان صبح فردا ۵:۲۰ • طلوع آفتاب ۶:۴۸

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

آرون

arvinmad@gmail.com

همزمانی زلزله کرمانشاه و هفته کتاب و کتابخوانی



حراج بزرگ مرکز خرید نازون

۲۰ آیات تا ۲۰ آذر بمدت یک ماه

نیاوران، بعد از چهارراه کامرانیه، مرکز خرید نارون

 naroon.shopping.center

یادداشت

مطالبه خسارت و طرح دعوا درباره مسکن مهر



بہمن کشاورز
حقوق دان

در ساخت‌وساز، ضوابط مشخص و روشنی وجود دارد و استانداردهایی باید رعایت شود؛ به‌ویژه از زمانی که قانون آزمایشی راجع به مقابله با زلزله تصویب شد، ابعاد این ضوابط و قواعد روشن‌تر و منجزتر شده است. بنابراین هر ساختمانی که ساخته می‌شود، باید با رعایت این ضوابط بنا شود و مسئول رعایت ضوابط صاحب‌کار، پیمانکار، مهندس ناظر و شهرداری یا فرمانداری را

زنانی که من دیده‌ام

او که رؤیاهایش را می سازد

زهرا عمرانی

- در مهمانی آخر ترم دانشکده با کیم برلی صمیمی تر شدم. از روز اول ترم با هم دوست شدیم. فوراً خودش را معرفی کرد. گفت از پایتخت آمده با همسرش و تاجایی که می‌داند او و همسرش تنها زوجی هستند که با هم در این دوره درس می‌خوانند.
- هر دو زاده و بزرگ‌شده آمریکا، مخالف سیاست‌های اقتدارگرایانه غرب و در پی ساخت دنیایی بهتر و عادلانه‌تر بودند. بعد از ازدواج مدتی در آفریقا کار کرده بودند و حالا بازگشته بودند که درس بخوانند. خانه‌ای کوچک و چوبی اجاره کرده بودند که نیمی‌ش روی آب دریاچه ساخته شده بود، همسایه‌شان دست‌فروش بود و با سگش در یک قایق زندگی می‌کرد. خانه چوبی‌شان در آن شهر سرد و بارانی جای مناسبی برای زندگی نبود اما کیم برلی عقیده داشت باید ویژگی‌های منحصر به فرد هر شهر را تجربه کرد و آن‌ها یکی این شهر هم دریاچه‌ها و خانه‌های کنار آبش بود.

ذهنی مرتب و برنامه بلندمدت و مشخصی داشت. گذراندن دوره کارشناسی ارشد کمک می‌کرد تا سطح درآمد هردوستان بالا برود و هر چند سال تحصیلات وامی را که برای تحصیل گرفته‌اند بازپشت کنند و بچه برای خرید خانه وام بگیرند. بعد از اتمام دوره برمی‌کشند به پایتخت چندسالی آنجا کار می‌کردند و خانه می‌خریدند، بچه‌دار می‌شدند و تا بچه هنوز مدرسه نرفته خانه را اجاره می‌دادند و می‌رفتند دنیا مثل آفریقا یا شرق دور، بچه دوم آنجا به جای می‌آمد و بعد از پنج، شش سال برای مدرسه بچه‌ها می‌می‌گشتند.

اینکه یک دختر چنین برنامه بلندمدتی داشته باشد برایم جذاب بود. برای ما، جوان‌تر که بودیم برنامه‌ها ختم می‌شد به اینکه در دانشگاه چه رشته‌ای بخوانیم. برنامه‌های بلندمدت به هزار اتفاق افتاده و نرفته‌ها گره می‌خورد و این ضرب‌المثل که سبب را که می‌اندازی هوا هزار چرخ می‌خورد تا برسد به زمین، ملکه ذهنم شده بود.

برای تحصیلات تکمیلی که اقدام کردم به وجود گرفتن پذیرش و بورسیه ویزا نگرفتم. برنامه‌های یک‌ساله جا به جا شد و مقصد تغییر کرد. تدریس بود که ببینم این دختر ناپلریا و چه درسی از روزگار خواهد گرفت. از روزی که یکم برلی از برنامه‌هایش برآیم گفت، هفت‌ساله‌ی گذشته، باورکردنی نیست اما تا اینجا برنامه دقیق و موبه‌مو جلورفته، دخترش آمایا سه سال پیش در خانه نقلی کوچکی که در پایتخت خریده بودند به دنیا آمد.

سه‌تایی با دخترک کوچک به آفریقا رفتند،
دخترک را در مهد ثبت‌نام کرد و خود و همسرش
مشغول کار شدند.

چندماهی است فرزند دوشم به دنیا آمده، به قول خودش زایمان در مأموریت، منتظر است تا مرخصی شش ماهه تمام شود تا پسر کوچک را هم به مهد بفرستد و کار را شروع کند. خوشحال است که بچه‌ها در فرهنگی دیگر رشد می‌کنند و وقتی برای مدرسه به کشور خودشان بازگردند، دنیادیده‌اند.

باور کرده‌ام که می‌توانیم رؤیاهایمان را بسازیم و زندگی کنیم. حتماً برای ما در خاورمیانه کمی سخت‌تر است، اما شدنی است. دوروبرمان را نگاه کنیم و ببینیم هستند کسانی که رؤیاهایشان را ساخته‌اند.

در چیم برلی باشد که دو کودک سفیدپوست، در دانه‌اش را می‌فرستد به مدرسه‌ای صحرائی در افریقا تا «دیگری» که از نزدیک حسن و یار باد بگیرند، همه ما فارغ از رنگ و نژاد و زبان‌مان انسان هستیم. چه صدیقه گیاهی که روستایش را در دل امرباد به شهر کوچک زیبایی تبدیل کرده، چه پایده شیرزادش که فرزندان سیات‌الله، زبافت زاله هستند، چه عایشه که سیات‌انداز، می‌کند برای سفری دور و دراز، مردمانی که رؤیا دارند و رؤیاهایشان را زیست می‌کنند هرچا که هستند افتخار آفرینند، کیم برلی یکی از آنهاست و من منتظر بینیم جهانش را چگونه زیاتر، خواه کرد؟

کادمی

شخصیت‌های محبوب و یازگشت به شیوه‌های سنتی



دکتر محمدعلی آرامی
متخصص مغز و اعصاب

همه مردم دور و نزدیک به محل رخداد برسایم؟
چرا باید پس از این همه سال تجربه و مطالعه و
دسترسی به امکانات مختلف جهان مدرن، همچنان به
شیوه‌های سنتی، ناکارا و متأسفانه غلط و حتی زبان‌بار
روی آوریم؟ در کشوری که هر لحظه امکان وقوع زلزله
وجود دارد، لازم است مردمان بدانند که به‌محض
وقوع آن، بهترین و سریع‌ترین کار ممکن چیست،
نهایت‌که بوی به یافتن روش‌های تازه بیاورند.

استبدلال «عدم اعتماد به نهادهای دولتی» بنظر من نشان از همان عقبماندگی سنتی دارد که حتی در اندیشه و عمل روشنفکران و افراد شناخته شده و محبوب جامعه ما نیز دیده می شود. عدم نهادهای دولتی قابل اعتماد نیستند پس چرا امنیت، آموزش، بهداشت و... خود را به دولت می سپاریم؟ واقعیت این است که هیچ دولتی دولت ایده آل نخواهد بود مگر آنکه مدام در معرض پرسشگری و مطالبه مردم قرار گیرد. فساد دولتی با روی گردان شدن از دولت قابل رفع و کاهش نیست. دولت یک امر مدرن است و مواجعه با دولت نیز نیازمند سازوکارهای امروزی و شناخته شده است. استهلاک پایدار، امکانها و توزیع غیراصولی، غیبتی و نامتناسب امکانات به بهانه عدم اعتماد به نهادهای دولتی نتایج نامطلوبی به دنبال دارد که موارد فوق تنها بخشی از آنهاست. اگر چنین امری رایج شود و در وقایع دیگر نیز سرمشق مردم قرار گیرد، نزدیکی نیست که پای افراد سودجو در لباس خیرخواهی باز خواهد شد که شناخت و کنترل آن امری دشوار نخواهد بود. فراموش نکرده ایم که قهرمان آزادی را محبوب دلهای مردم بود دلیل داشتن توانایی اداره شهری بزرگ نیست.

درست این است که افراد شناخته‌شده که دارای مقبولیت و محبوبیت اجتماعی هستند، مردم را به فکری از طریق راه‌های دولتی و غیردولتی و سابقه و شناسنامه‌دار تشویق و توصیه کنند و خود نیز به‌عنوان سرمشق چنین کنند. از طرف دیگر با توجه به موقعیت اجتماعی خود بگیرند نحوه توزیع این کمک‌ها باشند. آنان از قدرت نقد و نظارت برخوردار خواهند بود و مدد دست‌درآوردنی‌شان را و امکانات مختلفی که برای ارزیابی عملکرد مسئولان دارند، می‌توانند. ناراستی‌ها و ناکارآمدی‌ها را نشان دهند و به‌این وسیله با پاسخ‌گودر مجرای به‌تدریج در بهبود و ارتقای کیفی اقدامات کمک‌رسانی کشور مؤثر باشند و وظیفه ملی و فرهنگی خود را بشمار آورند.

زیر آسمان

جای خالی سهروردی در تقویم

محمد معینی

فیلسوف و عارف بزرگ ایران، در فهرست بزرگداشت مشاهیر جهانی یونسکو قرار گرفته است». مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان زنجان در این باره گفته: «در جلسه شورای فرهنگ عمومی استان گزارشی از روند حذف‌شدن روز شیخ شهاب‌الدین سهروردی از سال ۹۰ از تقویم رسمی کشور ارائه شد که بر اساس آن، در این سال ۵۰ مناسبت از جمله روز سهروردی از تقویم حذف شده و به ضمایم تقویم منتقل شد. بعد از بحث و بررسی از سوی اعضای شورای فرهنگ عمومی در این خصوص، تصمیم بر آن شد که با ارسال نامه‌ای به شورای فرهنگ عمومی کشور، درخواست بازگشت این روز به تقویم رسمی کشور مطرح شود. مردم عادی به ضمایم تقویم رسمی کشور دسترسی ندارند. تا به امروز کسی متوجه حذف این نام‌گذاری از تقویم رسمی کشور نشده، چراکه کفری بی تقویم و ضمایم آن قائل نبودند تا اینکه یکی از اهالی فرهنگ استان این موضوع را مطرح کرد. کسانی که با فلسفه آشنایی دارند، نظرات این شخصیت بزرگ را به خوبی می‌شناسند. در پنج سال گذشته باید درخواست بازگشت این نام‌گذاری به تقویم رسمی کشور مطرح می‌شد، ولی گویا کسی متوجه این موضوع نشده بود». ۵۰ عنوانی که از سال ۹۰ از تقویم رسمی حذف شدند، یکی عنوان بعد از پیگیری سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و صنایع دستی به تقویم بازگشته است». هم‌زمانی این درخواست با توجه یونسکو به شیخ شهاب‌الدین سهروردی در فهرست بزرگداشت مشاهیر جهانی، می‌تواند شورای فرهنگ عمومی کشور را به نقض تصمیم عجیب شش سال قبل خود تشویق کند.

یک دهه بعد از آنکه هشتم مرداد، «روز بزرگداشت شیخ شهاب‌الدین سهروردی (شیخ اشراق)» نام گرفت. سال ۹۰، بی‌روصدا، شورای فرهنگ عمومی کشور، نامتیب را در کنار چند نامتیب دیگر از «ضمیمات» علمی، «توسعه رسمی کشور» یا «کربد و فرستاد ذیل» سبادهای نامتیب‌ها در «ضمیمه» تقویم رسمی این توضیح بر صدر آن: «رویدادهای مهم و تاریخی درج آنها در تقویم لامانع است». این لامانع‌بودن، دهه جواز نکرندن تغییر شده است؛ کم‌تر دیده شده (انلا دیده شده) نامشان نثاران شود. چند نامتیب‌ها در تقویم رسمی، ضمیه را در خود هموار کنند.

شد. به‌همین دلیل، از سال ۹۱ دیگر نامی از این انجمن و موسسه‌اش نماند. به‌واسطه تلاش‌های برای به‌کارگیری سوره‌شناسان، به‌همین دلیل، از سال ۹۱ دیگر نامی از این انجمن و موسسه‌اش نماند. به‌واسطه تلاش‌های برای به‌کارگیری سوره‌شناسان، به‌همین دلیل، از سال ۹۱ دیگر نامی از این انجمن و موسسه‌اش نماند.